

تقریب انسانیت

وقتی در سال ۱۹۳۶ خالم خردادوله افتشی جلد تاکسی «خود را در تهران بروی نهضتنی باز کار آغاز نماید» هرگز تصویر نمکرد که تنه خود را در زورناخونه نوشته باشد. هرگز تصویر مشکلات شیری پایانیت میل شود.

تاکسی آن اواز یات و سبله چشمی بود و یا درشکه - این وسیله همچنان تسلیم شدیدست مسالمات آمد داشت. اتفاقاً تاکسی از خیل زاده «لطف کار» و «لطف کار» شد: شفافیت، شفافیت، شفافیت.

ساعت ۱۰ صبح
هر داده اگه کفت : - مفتر
میخ اهه کفت : - آخ خودت
رازند کان یا پیکچوریها می کناریم اند
کردن، این تکمیل بد گاتوی شد و
اما در برابر ، ساقه پیشتر سوار می-
و مخارج جو ر در می آمد
اخد شکریا

سیزده ساله، اما مرد..

یک خاطره

خان ها راهی دارند و بکل
خودان و خواهران اقای ارشید
بلند آمدند.

سنت نهم متمیز بصری از خاص
پرخود میدان بر پر این این
کوشی کوکی را پشت سر
دگذشت، با آن کوشی از
زمبیکاندان در آق قدر اصفهان
نیو، امیری هیچ خود را
پیاخت و مردا
اسفهان چون کوک روی داد
پوشید، زیرا بر آنکه در
نشستند، هر چند که زد
تهران از مدرسه بخانه بازگشت.
آمیزی چنان مطمئن بود که
ایدی زارهات شدم و وقتی هم
فرمانده نوی اصفهان را

با غلبي ممن وارد مجاز سه پير و دی از سه اي ران را در پا يار
بعمر استعمار ۸ ساله در خليج فارس تبر يك گفته و

خود را از رفتار دولت بعثی عراق اعلام میدا

با سر افزایی و افتخار پیروزی ارتش دلاور ایران را

بردن استعمار ۱۰ ساله خلیج فارس به پیشگاه ر ه
ملت ایران و افسوس ان، در حه داران و افراد ادار تشه

تبریک میگوید هیئت مدیره، کارگران و کارخانجات ریسندر